

شناسایی خطر حسابرسی، مبتنی بر مدیریت خطر جامع و راهبری شرکتی

محمد امین زکی زاده^۱، فرزین رضایی^{۲*}، ایرج نوروش^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ دانشیار، گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (عهده دار مکاتبات)

^۳ استاد، گروه حسابداری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت و حسابداری، تهران، ایران
تاریخ دریافت: فروردین ۱۳۹۸، اصلاحیه: اردیبهشت ۱۳۹۸، پذیرش: اردیبهشت ۱۳۹۸

چکیده

شناسایی و ارزیابی خطر حسابرسی، کلیدی ترین بخش فرآیند حسابرسی مبتنی بر خطر است. خطر حسابرسی یعنی احتمال خطر این که حسابرسان نسبت به صورت های مالی حاوی اشتباه و یا تحریف با اهمیت، نظر حرفه ای نامناسب اظهار کند. هدف این پژوهش شناسایی خطر حسابرسی، مبتنی بر مدیریت خطر جامع و ویژگی های راهبری شرکتی است. بدین منظور از معیارهای انحراف از استانداردها و قوانین، خطر جامع و ویژگی های راهبری شرکتی بهره برده شد. در تحقیق حاضر مناظر اندازه گیری مدیریت خطر جامع شامل مخاطرات عملیاتی، استراتژی، گزارشگری و قوانین و مقررات و ویژگی های راهبری شرکتی شامل استقلال هیأت مدیره، مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و دوگانگی مدیریت است. این پژوهش با ۸۷ شرکت نمونه و در بازه زمانی یازده ساله ۱۳۹۶-۱۳۸۶ شامل ۹۵۷ سال - شرکت به شیوه توصیفی- همبستگی با اجرای الگوی رگرسیون چند متغیره انجام شد. سپس با طرح سوالات بصورت زوجی و تحلیل سلسله مراتبی (AHP) اهمیت معیارهای خطر حسابرسی تعیین گردید. یافته های پژوهش حاکی است بین استقلال هیأت مدیره، و خطر قوانین مقررات، با خطر حسابرسی رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد.

کلمات کلیدی: خطر حسابرسی، مدیریت خطر جامع، راهبری شرکتی، حسابرسی مبتنی بر خطر

۱- مقدمه

تخریب وجهه حسابرسان یا سایر رویدادهایی نظیر آن، مربوط نمی شود. "حسابرسی مبتنی بر خطر" به عنوان فرآیند شناسایی و گزارش خطر تحریفات با اهمیت در صورت های مالی است. از این رو، حسابرسی نیازمند شناسایی حوزه هایی است که دارای خطر بالایی از تحریفات با اهمیت اند؛ خطرهای مذکور محدوده هایی هستند که مستلزم کاربرد روش های گسترده تری خواهند بود. حسابرسان باید تعیین کنند که چقدر و چگونه روش های خود را برای حوزه های کم خطر کاهش می دهند. اگر حسابرسان به طور ذهنی راجع به خطر حسابرسی، خطر ذاتی، خطر کنترل و تاثیر آنها بر روی خطر کشف قضاوت کنند، ممکن است در تعیین استراتژی حسابرسی دچار اشتباه گردند، که به تبع آن احتمال اظهار نظر نامناسب افزایش می یابد. از این رو هنگام ارزیابی خطر کشف، حسابرسان باید دقیق و مراقب باشند، زیرا تعیین نهایی نتیجه حسابرسی، بر قضاوت حسابرسان استوار است [۱۶].

هدف از بکارگیری حسابرسی مبتنی بر خطر، افزایش کارایی و اثربخشی حسابرسی است. زیرا با تعیین نوع و ماهیت، زمان بندی اجرا و حدود آزمون های محتوا به گونه ای معقول و همراه با قابلیت پاسخگویی کامل، رسیدگی ها به میزان مناسبی انجام گردیده و در نتیجه زمان صرف شده به سطح منطقی تری تغییر می یابد [۵].

نقش و ماهیت حسابرسی در ارتباط با تردیدهای حاکم بر کیفیت اطلاعات حسابداری گزارش شده مطرح می شود. حسابرسان در خط مقدم رسیدگی، گواهی دهی و نهایتاً اعتباربخشی به ادعاهای مدیریت مندرج در صورت های مالی است. در طی سال های اخیر، تلاش برای متوقف ساختن موج رسوایی های مالی در شرکت های بزرگ موجب تغییرات قابل توجهی در چشم انداز نظارتی و نحوه انجام حسابرسی صورت های مالی شده است [۴۰]. حسابرسان تا چهاردهه پیش تلاش می کردند با انجام آزمون های محتوای گسترده (سندرسی و سایر روش های حسابرسی) خطر حسابرسی را کاهش دهند. اما توسعه شرکت ها و افزایش روز افزون حجم و عملیات آنها، تمهید بالا را برای حسابرسان ناکافی و نارسا کرد.

به نظر ماک و همکاران (۱۹۹۸) شناسایی و ارزیابی خطر حسابرسی یکی از بخش های کلیدی فرآیند حسابرسی است. عوامل کیفی پیچیده ای بر خطر موثر است و غالباً هنگام ارزیابی آن ها حسابرسان نمی توانند روابط و درهم کنش های متقابل این عوامل را همزمان در ذهن داشته باشند [۱].

فرآیند حسابرسی شامل قضاوت، اجرا، خطر، روش های تحلیلی، تهیه و ارزیابی مدارک، کنترل کیفیت روند کار حسابرسی می شود [۷]. لذا به خطرهای متوجه حسابرسان مانند زبان ناشی از دعاوی حقوقی علیه او،

*farzinrezaei@yahoo.com

داشته باشیم، زیرا اگر حسابرسان بتوانند به یک حاکمیت صحیح شرکتی متکی باشند، خطر کنترل در سطح پائین تری ارزیابی شده و در نتیجه خطر حسابرسی نیز کاهش خواهد یافت [۴۶].

راهبری شرکتی خوب و مکانیزم های آن می تواند منجر به کاهش خطر حسابرسی گردد و حسابرسان قادر خواهند بود تا با ارزیابی کیفیت حاکمیت شرکتی اعمال شده در واحدهای تجاری به ارزیابی خطر حسابرسی بپردازند. در پژوهش حاضر چهار سازو کار راهبری شرکتی شامل استقلال هیأت مدیره، مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و دوگانگی مدیریتی مد نظر قرار گرفته است. بنابراین، به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا ویژگی های راهبری شرکتی بر خطر حسابرسی تأثیر دارد؟

۲-۲/ استقلال هیأت مدیره و خطر حسابرسی

هیأت مدیره شرکت، نهاد هدایت کننده ای است که نقش نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران بر عهده دارد. از دیدگاه تئوری نمایندگی حضور اعضای غیر موظف در ساختار هیأت مدیره شرکت ها و عملکرد نظارتی آنها در جایگاه افراد مستقل، به کاهش تضاد منافع بین مدیران و ذینفعان کمک می کند [۸].

حضور اعضای غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره، عدم تقارن اطلاعاتی بین ارکان درونی و بیرونی شرکت را کاهش می دهد. این موضوع منجر به افشای اطلاعات و کاهش احتمال انباشت اطلاعات منفی در داخل شرکت می شود [۴۲]. از طرفی دیگر ممکن است اعضاء به دلایلی نظیر عضویت طولانی در هیأت مدیره، واقعا مستقل نباشند و به شرکت وابستگی هایی داشته باشند. لذا، اگرچه ما در تعریف، مدیران غیر موظف را به عنوان مدیران مستقل و افرادی که نقش نظارتی با اهمیت در شرکت دارند، تعریف نمودیم ولی در عمل شاید به این گونه عمل ننمایند [۱۰]. نظریه سنجیدگی تصمیم بیان می دارد که برای اتخاذ تصمیم مطلوب (سنجیده) دانش و سواد مالی برای مدیران الزامی است. دانش ناشی از تحصیلات و سواد ناشی از آشنایی با محیط های قانونی، حقوقی و مقرراتی شرکتی که با آن سر و کار دارد می باشد. با توجه به احتمال بیشتر تجمع دو ویژگی دانش مالی و سواد مالی در اعضای هیأت مدیره موظف نسبت به اعضای غیر موظف، سطح سنجیدگی تصمیمات در حوزه های عملیاتی، مالی و راهبردی (مدیریتی) بین اعضای غیر موظف هیأت مدیره بیشتر انتظار می رود.

افزون بر این، ادبیات دانشگاهی حاکی از آن است که اعضای غیر موظف به نحو بهتری از منافع سهامداران حمایت و نماینده بهتری برای آنان محسوب می شوند. بر این اساس، اعضای مستقل، مسئله نمایندگی را کنترل و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و سهامداران را با افشای بهتر و با کیفیت تر اطلاعات، کاهش می دهند [۴۲].

به لحاظ نظری به دلیل عدم وجود تضاد منافع و داشتن استقلال بیشتر، اعضای غیر موظف هیأت مدیره گرایش بیشتری برای حمایت از حسابرسان در هر مناقشه با مدیریت دارند. لذا حسابرسان می توانند ارزیابی کنند که آیا هیأت مدیره با توجه به توانایی و تجربه اش با ایجاد

حسابرسی مبتنی بر مدیریت خطر را می توان حسابرسی مبتنی بر مدل های علمی، متکی به علوم ریاضی و آمار، جامع از نظر توجه به استراتژی های حسابرسی، عوامل خطر، بحث اهمیت، سطح اطمینان، ماهیت و حجم کار و قیمت تمام شده مورد نیاز دانست؛ به گونه ای که حسابرس با کنترل خطر ها، پایین ترین سطح اطمینان لازم را تعیین می کند تا کمترین زمان و هزینه صرف شود.

حسابرس باید شواهد حسابرسی کافی و مناسب برای کاهش خطر حسابرسی به یک سطح پایین قابل قبول، جمع آوری کند به گونه ای که بتواند به نتایج معقولی که مبنای اظهار نظر قرار می گیرد، دست یابد. ارزیابی خطر ها بر مبنای روش های حسابرسی اجرا شده برای کسب اطلاعات مورد نیاز به این منظور و شواهد کسب شده در جریان حسابرسی، انجام می شود. ارزیابی خطر اساساً با اعمال قضاوت حرفه ای انجام می شود، نه با اندازه گیری دقیق.

مدیریت خطر یک بخش مهم از مدیریت استراتژیک سازمان می باشد. تمرکز مدیریت خطر بر تعیین و کاهش خطر ها بوده و هدف آن افزودن حداکثر ارزش پایدار به تمامی فعالیت های سازمان می باشد [۱۸]. مدیریت ریسک احتمال موفقیت و تحقق اهداف کلی سازمان را افزایش می دهد. مدیریت خطر به شرکت ها کمک می کند تا در مسیر رسیدن به هدف از پیشامدهای ناخواسته اجتناب کنند، از طرفی می تواند به حسابرسان در رسیدن به اهداف حسابرسی کمک نماید. حسابرسان نیز باید خطر حسابرسی را مدیریت کنند [۲۵].

با توجه به ویژگی های مورد اشاره و تأثیر عنصر قضاوت در ارزیابی خطر، هدف این پژوهش، ارائه الگویی به منظور شناسایی خطر حسابرسی با استفاده از ویژگی های حسابرسان و مدیریت خطر شرکت است.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱ راهبری شرکتی و خطر حسابرسی

راهبری شرکتی مجموعه مکانیزم های هدایت و کنترل شرکت ها است. [۲۰]. در حاکمیت شرکتی، هدف، برخورداری از یک هیئت مدیره مؤثر و کارا است و دستیابی به این هدف، مستلزم ارزیابی خصوصیات هیئت مدیره (به ویژه مطلوب) است [۱۱].

به نظر می رسد که مدیریت قوی شرکت ها، با کیفیت خوب در گزارشگری مالی و انتصاب کارشناسان حسابداری مالی در کمیته حسابرسی شرکت همراه است [۳۵]. کاسیل و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که حسابرسان چهارموسسه بزرگ حسابرسی^۱ بعضی از خصوصیات راهبری شرکتی را در استراتژی حسابرسی، به ویژه پس از معرفی سارینز اکسلی (۲۰۰۲)، دخیل می کنند. براساس مباحث تئوریک، در مورد صاحبکارانی که از راهبری شرکتی قوی تری برخوردارند، می توان انتظار داشت که ساعات حسابرسی برنامه ریزی شده در مقایسه با دیگر صاحبکاران، به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یابد [۴۷]

انتظار داریم رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و خطر حسابرسی

¹ BIG4

عمده است. چنین سهامدارانی درصد قابل توجهی از سهام شرکت را در اختیار دارند که به نوبه ی خود می توانند اداره شرکت را در دست گیرند. در مقابل، سهامداران خرد تمایل چندانی به کنترل و نظارت بر مدیران ندارند، زیرا در این صورت مجبور می شوند تا هزینه های کنترل را تقبل نمایند، در حالیکه سهم اندکی در سود شرکت دارند. وقتی تمرکز بالای مالکیت وجود دارد، امکان نظارت و کنترل بهتر بر عملکرد مدیریت شرکت فراهم می گردد [۲]. الگوی مالکیت شرکت نشانگر هزینه های نمایندگی در شرکت و میزان نظارت مدیریتی می باشد. مالکیت مدیریتی سبب کاهش تضاد نمایندگی شده و در نتیجه منجر به اطلاع رسانی بیشتر می گردد [۱۹]. از طرفی دیگر مدیران مالک میزان قابل توجهی از سهام شرکت می توانند اطلاعات مهم را از سایر سهامداران پنهان کنند. در سطوح پائین تر مالکیت مدیریتی، از مدیران انتظار می رود نسبت به سایر سهامداران صادق باشند زیرا تحت نظارت این سهامداران قرار دارند. اما وقتی مدیران، مالک سهام قابل توجهی باشند، حاکمیت شرکتی را بدست می گیرند. آنها از انگیزه های بیشتری برخوردارند تا به سایر سهامداران نشان دهد که شرکت دارای عملکرد خوبی است [۲۹]. بنابراین، به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا مالکیت مدیریتی برخطر حسابرسی تأثیر دارد؟

۲-۵ دوگانگی مدیریتی و خطر حسابرسی

دوگانگی وظیفه مدیر عامل به حالتی گفته می شود که مدیر عامل، رئیس هیأت مدیره نیز باشد. این وضعیت موجب می شود مدیرعامل با اختیار بیشتری اطلاعات در دسترس سایر اعضا را کنترل کند و در نتیجه ممکن است این موضوع مانع نظارت مؤثر بر مدیر عامل شود [۸]. رهبری هیأت مدیره اشاره به تقسیم قدرت میان هیأت مدیره و مدیرعامل دارد. ترکیب این دو نقش سبب تضعیف سیستم های حاکمیت شرکتی شرکتها می گردد که در آنها تضاد منافع میان نظارت (رئیس هیأت مدیره) و اجرای تصمیمات هیأت مدیره (مدیرعامل) بوجود می آید [۱۹]. انتصاب رئیس هیأت مدیره غیر موظف این اطمینان را می دهد که مسائل مهم مرتبط با منافع سهامداران به صورت کامل در جلسات هیأت مدیره مطرح می شود [۲۹].

اگر دوگانگی از نظارت مؤثر جلوگیری کند، می تواند موجب افزایش خطر حسابرسی شود. بنابراین، به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا دوگانگی مدیریتی برخطر حسابرسی تأثیر دارد؟

۲-۶ مدیریت خطر جامع و خطر حسابرسی

فرآیند مدیریت خطر واحد تجاری درشناسایی، ارزیابی، برقراری ارتباطات، اندازه گیری و مدیریت خطر های گوناگونی که سازمان با آن مواجه است، مورد استفاده قرار می گیرد. سازمان ها می توانند عملکرد خود را با بکارگیری مدیریت خطر یکپارچه بهبود بخشند.

بوهم (۱۹۹۱) بیان می کند، فرایند مدیریت خطر، شامل دوفاز اصلی است: ۱- تخمین خطر که شامل شناسایی، تحلیل و اولویت بندی است و ۲- کنترل خطر که اقدامات اصلاحی را شامل می شود. مدیریت خطر واحد تجاری فرآیندی است که توسط هیأت مدیره و مدیران ارشد به

استراتژی های مناسب، قادر است کسب سود کرده و نسبت به تداوم فعالیت شرکت اطمینان بدهد یا خیر. اگر شرایط اقتصادی صاحبکار به دلیل انتخاب استراتژی های ضعیف و ناکارآمد، وخیم باشد، احتمال فراوانی برای تحریف صورت های مالی وجود دارد، لذا ریسک حسابرسی پذیرش آن صاحبکار نیز افزایش می یابد. با در نظر گرفتن این مطلب که هیأت مدیره مستقل می تواند موجب نظارت بیشتر بر عملکرد مدیر عامل شود؛ انتظار می رود شرکت هایی که از هیأت مدیره مستقلی برخوردارند، دارای خطر حسابرسی کمتری باشند. بنابراین، به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا استقلال هیأت مدیره برخطر حسابرسی تأثیر دارد؟

۲-۳ مالکیت نهادی و خطر حسابرسی

یکی از سازوکارهای کنترلی مؤثر بر حاکمیت شرکتی که از اهمیت بسیاری برخوردار است، حضور سرمایه گذاران نهادی است. سرمایه گذاران نهادی با جمع آوری اطلاعات در خصوص تصمیم های مدیریتی بطور ضمنی و از طریق اداره نحوه ی عملکرد شرکت به شکل صریح، بر شرکت نظارت می کنند [۱۷].

حساس یگانه (۱۳۸۹) بر اساس فرضیه نظارت فعال بیان می کند که سهامداران عمده شرکت، از قدرت رأی خود در جهت نظارت فعال بر عملیات شرکت و تصمیم گیری بهتر استفاده می نمایند. به بیان دیگر، به دلیل حجم ثروت سرمایه گذاری شده، نهادها شاید سرمایه گذاری خود را به طور فعال مدیریت کنند. در مقابل فرضیه نظارت فعال فرضیه منافع شخصی و فرضیه اتحاد استراتژیک وجود دارد. طرفداران فرضیه منافع شخصی بر این باورند، احتمال بیشتری وجود دارد که سرمایه گذاران بزرگ از منافع خاصی همچون دسترسی به اطلاعات محرمانه در جهت اهداف معاملاتی بهره ببرند. با متمرکز شدن مالکیت، این مساله توجیه پذیر به نظر می رسد که سهامداران بزرگ از حقوق کنترلی خود در جهت کسب منافع و استثمار سهامداران کوچک استفاده کنند. بر اساس فرضیه اتحاد استراتژیک، بلوک داران و مدیران همکاری و تئانی دوجانبه را به نفع یکدیگر می بینند و این همکاری، نظارت بر مدیران برای بالا بردن ارزش شرکت را کاهش می دهد و درک سهامداران در مورد کیفیت سود را تحت تاثیر منفی قرار می دهد، چون آنها رابطه نزدیک بین مدیران و بلوک داران راباعت استثمار خود می دانند [۱۵].

سهامداران عمده باعث فشار بیشتر بر مدیریت شده و خواستار گزارش کارایی مطلوب هستند. هنگامی که گزارشهای مالی نشان دهنده ضعف در کارایی مدیریت است، سهامداران عمده تهدیدی بزرگ برای مدیریت محسوب می شوند [۳۲]. کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیریت از طریق نظارت سهامداران نهادی می تواند به کاهش خطر حسابرسی بیانجامد. بنابراین، به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا مالکیت نهادی برخطر حسابرسی تأثیر دارد؟

۲-۴ مالکیت مدیریتی و خطر حسابرسی

یکی از مهم ترین عوامل اثر گذار بر کنترل و اداره شرکت ها ترکیب مالکیت و بخصوص تمرکز مالکیت سهام شرکت ها در دست سهامداران

خطر های شناسایی شده و اتخاذ تصمیمات مناسب در برخورد با این خطر ها. به هر حال فرآیند مدیریت خطر جامع بنگاه به دنبال اجرای فونونی برای کاهش خطر های عملیاتی است که در نهایت باعث افزایش کارایی و عملکرد سازمان می گردد [۶].

در یک سازمان هر چه فروش و مشتری مداری نسبت به رقیبان همان صنعت بیشتر باشد به این معنی است که این سازمان راهبرد بازاریابی و فروش مناسبتری نسبت به رقیبانش دارد. هر چه انحراف معیار فروش شرکت کمتر باشد نشان دهنده مدیریت بهتر است. خطر قوانین و مقررات یکی از انواع مهم خطر سرمایه گذاران است. خطر مقررات به علت تغییرات در قوانین مختلف در یک جامعه اقتصادی به وجود می آید. در سالهای اخیر تعیین غیر علمی سقف نرخ سود تسهیلات در بانک های ایرانی از طرف قانون گذاران، موسسات و شرکت ها را با مشکلات اساسی روبرو کرد.

گزارش های مالی به عنوان محصول نهایی فرایند حسابداری است که این گزارشگری تحت تاثیر کنترل های داخلی است. در چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم گیری، هدف گزارشگری مالی فراهم آوردن اطلاعات مالی سودمند جهت تصمیم گیری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و انجام وظایف پاسخ گویی و ارزیابی عملکرد سازمانی و مدیریت است. به همین دلیل، مدیران باید برای تأمین اطمینان نسبی از دست یابی به هدف های پیش بینی شده، مدیریت ریسک، حسن اجرای فعالیت ها در کلیه ی زمینه ها، جلوگیری از هرگونه اختلاس، تقلب و استفاده ی نادرست از منابع و دارایی ها و تحقق مسئولیت پاسخ گویی و حسابداری نسبت به فعالیت های انجام شده، به طراحی و اجرای سامانه ی کنترل داخلی مناسب بپردازند. می توان گفت مدیران با بکارگیری مدیریت خطر جامع مبتنی بر گزارشگری مالی بعنوان یک ابزار هوشمند در جهت کاهش خطر های پیرامون واحد تجاری اقدام می نمایند. و بنابراین احتمال خطر حساسی را کاهش می دهد. بنابراین به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا مدیریت خطر جامع بر خطر حساسی تأثیر دارد؟

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱ تحقیقات خارجی

جاکوبی و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی " حاکمیت شرکتی، کنترل های خارجی، و شفافیت اطلاعات محیطی" در بازارهای نوظهور پرداختند. نتایج تجربی این پژوهش در بازارهای نوظهور نشان می دهد که شرکت هایی با سازوکارهای حاکمیت شرکتی قویتر به پذیرش و تطبیق با راهبردهای کنترل های خارجی (برون سازمانی) تمایل بیشتر نشان می دهند تا تضاد مدیران و مالکان را کاهش دهند. همچنین حاکمیت شرکتی با افزایش شفافیت اطلاعات رابطه مستقیم و معناداری داشته است.

شفایی سردشت و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان " شناسایی عوامل موثر بر مدل خطر حساسی: رویکرد فرایند تحلیل شبکه ای و دیمتل فازی ترکیبی" پرداختند. آنها با استفاده از غربالگری فازی برای نمایش ۴۰ عامل عملی استفاده کردند که ممکن است بر مدل خطر حساسی از ۵۸ مورد بالقوه اثر بگذارند. سپس با رویکرد فرایند تحلیل شبکه ای و آزمون تصمیم گیری و ارزیابی برای کاهش عوامل و اولویت بندی آن ها بادر

کارگرفته می شود تا بدان وسیله استراتژی شرکت تعریف شود، رویدادهایی که واحد تجاری را تحت تاثیر قرار می دهند شناسایی شوند، خطر های مربوطه شناسایی و مدیریت شده و اطمینان معقولی از دستیابی واحد تجاری به اهدافش فراهم کنند [۴۵]. همچنین از نظر مولر (۲۰۰۹) ابعاد خطر های جامع عبارتند از: خطر های عملیاتی، استراتژیک و اطلاعاتی [۲۲].

مدیریت خطر اقدامی برای کاهش هر خطری است که می تواند به شرکت در راه رسیدن به اهدافش آسیب برساند و شرکت را قادر می سازد که به نحو بهتری ریسک های متداول در فعالیت خود را اداره نماید. به عبارت دیگر مدیریت ریسک به مفهوم سنجش ریسک و سپس اعمال استراتژی های مناسب دلالت می کند [۴].

مدیریت خطر جامع طی دوده گذشته به سرعت در میان سازمان ها، سهامداران، شرکت های سهامی و سازمان های رتبه بندی برای بهبود حاکمیت شرکتی، مدیریت خطر و کنترل های داخلی در حال افزایش است. در پی رسوایی ها و بحرانهای مالی بنگاه های بزرگ، مسائل مربوط به راهبری شرکت ها افزایش یافته و توصیه های جدیدی برای شفافیت حساسی و مدیریت صورت گرفته است. مدیریت خطر یکپارچه بهبود عملکرد شرکت را از طریق تصمیمات سرمایه گذاری بهتر میسر می سازد [۴۴].

استانداردهای حساسی متداول دنیا بر مدیریت راهبردی حساسی و برنامه ریزی آن بر اساس مدل خطر حساسی تاکید دارند [۲۸]. حساسی مؤثر مبتنی بر خطر با مشاهده ریسک های سازمان از میان منشور هدف های راهبردی، بر تمام محدودیت های ذکر شده غلبه کرده و به حسابرس امکان می دهد که حساسی هدفمندتر و کارآمدتری داشته باشد. همچنین، برنامه حساسی از طریق ارتباط ریسک های سازمان با هدف های تجاری سازمان، باعث خواهد شد تا بتوان برنامه های کاهش خطر دقیق تر، سریع تر و واضح تری را تدوین کرد. بر اساس مدل کوزو خطر جامع متشکل از چهار مولفه خطر استراتژی ها، خطر عملیاتی، خطر گزارشگری و خطر قوانین و مقررات می باشد.

کوهن (۲۰۰۴) گزارش های مالی از مهمترین فرآورده های سیستم حسابداری است که از اهداف عمده آن فراهم آوردن اطلاعات لازم، مربوط و قابل اتکا برای ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری بنگاه اقتصادی است. گزارشگری صحیح برای موفقیت سازمان در همه ی ابعاد حیاتی است. مدیریت خطر یکپارچه شرکت با استفاده از فنون کنترل داخلی به دنبال کاهش خطر های گزارشگری بوده و در تلاش برای این است که سود های غیرقانونی و تقلب های مالی در سازمان را به حداقل برساند و صحت اطلاعات مالی و غیرمالی را به حداکثر برساند [۶].

مثول بروک (۲۰۰۲) معتقد است در خطر عملیاتی به شناسایی و ارزیابی تمامی خطر هایی که بر ارزش سازمان تاثیر می گذارد، پرداخته می شود [۱۲]. بنکر (۲۰۰۵) خطر عملیاتی می تواند از قصور عدم کارایی پرسنل و افراد، فن آوری و روند کاری رخ دهد. در فرآیند مدیریت خطر جامع بنگاه از فونونی برای مدیریت خطر های عملیاتی استفاده می شود که مراحل آن عبارت است از: شناسایی خطر های عملیاتی، رتبه بندی

در حالی است که وجود کمیته حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تاثیر مدیریت ریسک بر ارزش شرکت را به طور معناداری افزایش می دهد.

نمازی وهمکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی "رتبه بندی و بررسی نگرش حسابرسان مستقل نسبت به عوامل موثر بر خطر حسابرسی" پرداختند. جامعه آماری پژوهش را اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران که شامل چهارگروه حسابداران رسمی شریک موسسات حسابرسی، حسابداران رسمی شاغل در استخدام سازمان حسابرسی، حسابداران رسمی شاغل در استخدام موسسات حسابرسی و حسابداران رسمی شاغل انفرادی تشکیل می دهند. به منظور رتبه بندی عوامل موثر بر خطر حسابرسی، با مصاحبه با برخی حسابرسان مستقل، ۵۶ عامل برای شاخص های ذاتی، خطر کنترل و خطر عدم کشف، شناسایی و باتکنیک تاپسیس رتبه بندی شد. و براساس چهارگروه حسابرسان مستقل تعیین شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین نگرش اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران، نسبت به رتبه بندی عوامل موثر بر خطر حسابرسی، شامل عوامل خطر ذاتی در سطح مانده حساب، عوامل خطر ذاتی در سطح صورتهای مالی، عوامل خطر کنترل، عوامل خطر عدم کشف ناشی از روش های تحلیلی و عوامل خطر کنترل، عوامل خطر عدم کشف ناشی از روش های تحلیلی و عوامل خطر کنترل، عوامل خطر عدم کشف ناشی از روش های تحلیلی و عوامل خطر عدم کشف ناشی از آزمون جزئیات، تفاوت معناداری وجود ندارد.

قربانی وهمکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی "نارسایی های مدل حسابرسی مبتنی بر سیستم و امکان جایگزینی آن با مدل حسابرسی مبتنی بر خطر در ایران" پرداختند. در آن مطالعه برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه کتبی که قابلیت اعتماد و اعتبار آن تایید شده، استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه های توزیع شده بین حسابرسان شاغل عضو جامعه حسابداران رسمی ایران جمع آوری گردیده و برای آزمون فرضیه های تحقیق از آزمون مقایسات زوجی استفاده شد. نتایج نشان داد مدل حسابرسی مبتنی بر خطر از کارایی و اثربخشی بیشتری نسبت به مدل حسابرسی مبتنی بر سیستم برخوردار است و مدیران حسابرسی با انجام عملیات حسابرسی بر اساس این مدل می توانند گزارش حسابرسی قابل اتکاتری ارائه دهند.

۴- فرضیه های پژوهش

فرضیه های گروه اول شامل چهار فرضیه در ارتباط با ویژگی های راهبری شرکتی و خطر حسابرسی عبارتند از؛ بین ۱- استقلال هیأت مدیره، ۲- مالکیت نهادی، ۳- مالکیت مدیریتی، و ۴- دوگانگی مدیریتی با خطر حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

$$AR_{it} = \beta_0 + \beta_1 FC1_{it} + \beta_2 FC2_{it} + \beta_3 FC3_{it} + \beta_4 FC4_{it} + \epsilon_{it} \quad (1)$$

فرضیه های گروه دوم شامل چهار فرضیه در ارتباط با مدیریت خطر جامع و خطر حسابرسی عبارتند از؛ بین ۱- خطر عملیاتی، ۲- خطر

نظرگرفتن وابستگی های داخلی و خارجی آنها به کاربردند. برای سازگار بودن با ابهامات مربوط به انسان ها و اتخاذ تصمیمات مفیدتر در دنیای واقعی، نظریه مجموعه فازی مورد استفاده قرار گرفته است.

دیمارتینی وهمکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی "خطر حسابرسی و حاکمیت شرکتی" پرداختند. در این مقاله با شناسایی عواملی مانند، اثربخشی روش های کنترل داخلی و تجربه حسابرس، که در ارزیابی مولفه های ریسک حسابرسی موثر است و نیز با برجسته کردن نقش حاکمیت شرکتی در برآورد ریسک حسابرسی پرداخته شده است. هس وهمکاران (۲۰۱۶) به بررسی خطر تحریف با اهمیت در شرکت های کوچک آمریکا، پرداختند. آنان به این نتیجه رسیدند که عامل نداشتن تخصص در صنعت صاحبکار توسط حسابرس، عاملی بسیار مهم در عدم کشف تحریف با اهمیت می باشد.

آکرش (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان "مدل خطری برای کنترل های داخلی" به دنبال الگویی جهت خطر حسابرسی بود. وی دو الگوی خطر حسابرسی برای اظهار نظر در خصوص مطلوبیت کنترل داخلی ارائه کرد. در الگوی اول، خطر حسابرسی تابع دو عامل بود: ۱- خطر تحریف با اهمیت و ۲- خطر عدم کشف. وی با ترکیب این دو الگو، یک الگوی جامع خطر حسابرسی، با توجه به کنترل های داخلی برای حسابرسان پیشنهاد کرد.

آرل (۲۰۱۰) پژوهشی در ارتباط با تاثیر وجود کنترل های داخلی بر خطر حسابرسی انجام داد. نتایج پژوهش وی نشان داد که در بعضی موارد، حسابرسان به جای رعایت استانداردهای اجرای عملیات در خصوص شناخت سیستم کنترل داخلی، اظهار نظر در خصوص کفایت، مطلوبیت و اثربخشی آن، صرفا بر اساس احساس خود در این باره اظهار نظر می کنند.

۳-۲ تحقیقات داخلی

بحری ثالث و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی "نقش کیفیت حاکمیت شرکتی در رابطه بین جریان های نقدی آزاد و دست کاری فعالیت های واقعی" پرداختند. در این پژوهش برای تعیین مدیریت واقعی سود از مدل کوهن و زاروین (۲۰۱۰) و برای محاسبه جریان های نقد آزاد مدل لن و پلسن (۱۹۸۹) و به منظور کیفیت حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر تعدیل کننده، از روش ارزیابی Go-Score استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد در سطح شرکت های با حاکمیت شرکتی قوی و در سطح شرکت های با کیفیت حاکمیت شرکتی ضعیف، بین جریان وجه نقد آزاد و دست کاری فعالیت های واقعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

مهربان پور وهمکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت خطر و ارزش شرکت با تاکید بر نقش ویژگی های هیأت مدیره و کمیته حسابرسی پرداختند. در آن تحقیق رابطه بین مدیریت خطر و ارزش شرکت با تاکید بر نقش ویژگی های هیأت مدیره و کمیته مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد با افزایش مدیریت ریسک، ارزش شرکتهای افزایش پیدا خواهد کرد. همچنین در شرکتهای دارای مالکان نهادی شرکت بیشتر از سایر شرکتهای خواهد بود ولی این مقدار از لحاظ آماری معنادار نیست. نتایج همچنین نشان داد که با افزایش استقلال مدیران، مدیریت ریسک بر ارزش شرکت، افزایش معناداری نخواهند داشت. این

مقیاسی که از ترجیح یکسان تا بی اندازه مرجح طراحی شده است، انجام می گیرد. در این طیف میزان ترجیح اعداد ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰ بینابین بوده و به عنوان مثال میزان ترجیح عدد ۴ مابین اعداد ۳ و ۵ می باشد که نشان دهنده ی میزان ترجیح نسبتاً مرجح تا قویاً مرجح است.

جدول (۱): ترجیحات و مقادیر عددی آنها

عدد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
میزان ترجیحات	ترجیح یکسان		نسبتاً مرجح	قویاً مرجح		ترجیح بسیار قوی			بی اندازه مرجح

پس از جمع آوری پرسشنامه های پاسخ داده شده توسط خبرگان، با استفاده از میانگین هندسی نتایج، ماتریس مقایسات زوجی بدست آمد. ماتریس مزبور به کمک نرم افزار MATLAB تحلیل و اوزان معیارها با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به صورت زیر بدست آمده است.

جدول (۲): اوزان معیارهای خطر حساسی

معیار	وزن
انحراف از استانداردهای حسابداری	۰/۵۸
انحراف از قوانین مالیاتها	۰/۲۱۸
انحراف از قوانین بازار سرمایه	۰/۱۳۷
انحراف از قوانین پول	۰/۰۶۵

۷- متغیرهای پژوهش

۷-۱ متغیر وابسته - خطر حساسی

از آنجایی که تصمیمات مالی، عملیاتی و راهبردی شرکت توسط مدیریت اتخاذ می شود، در تحقیق حاضر خطر حساسی بر اساس ترکیبی از رویکردهای زیر ارزیابی شده است:

۷-۱-۱ انحراف از استانداردهای حسابداری - کیفیت گزارشگری

از اقلام تعهدی اختیاری استفاده شده است. اقلام تعهدی اختیاری اقلامی هستند که می توان جهت مدیریت سود، آن ها را دستکاری کرد و در جهت کسب منافع بیشتر عمل کرد. اقلام تعهدی باعث ایجاد تفاوت بین سود و جریان وجوه نقد عملیاتی می شود و در نتیجه با فرض اینکه جریان های نقدی دستکاری نشوند، تنها راه دستکاری سود افزایش و کاهش در اقلام تعهدی اختیاری است. به منظور تخمین اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز، استفاده شد:

(۳)

$$\frac{TACC_{it}}{A_{t-1}} = \beta_0 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_1 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{t-1}} \right) + \beta_3 ROA_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

براساس مدل فوق داده های مورد نظر جمع آوری گردید و سپس باقیمانده خطاهای مدل به نرم افزار اکسل انتقال داده شد. و سپس خطاهای مدل به صورت زیر محاسبه شد:

$$AR_{it} = 1 - |\varepsilon_{it}| \quad (۴)$$

راهبردها، ۳- خطر گزارشگری، ۴- خطر قوانین با خطر حساسی رابطه معنا داری وجود دارد.

$$AR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ERM1_{it} + \beta_2 ERM2_{it} + \beta_3 ERM3_{it} + \beta_4 ERM4_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

۵- روش شناسی پژوهش

روش پژوهش این تحقیق از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی است، که با استفاده از داده های ثانویه مستخرج از صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و پرسشنامه به تحلیل رابطه ی همبستگی می پردازد. انجام این پژوهش در چارچوب استدلال قیاسی - استقرایی صورت خواهد گرفت. علت استفاده از روش همبستگی کشف روابط همبستگی بین متغیرها است. پژوهش همبستگی یکی از انواع تحقیقات توصیفی است. از سوی دیگر پژوهش حاضر از بابت جمع آوری اطلاعات از نوع پس رویدادی است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل گذشته (با ابزار صورت های مالی شرکتها از طریق نرم افزار رهآورد نوین و سایت کدال) انجام می گیرد. از نظر هدف این پژوهش جزء پژوهش های کاربردی محسوب می شود و از نظر روش گردآوری آرشویی (پس رویدادی) و پیمایشی است. همچنین به منظور یافتن عوامل مؤثر بر شناسایی خطر حساسی، نسبت به انجام مصاحبه با خبرگان اقدام گردید و سپس با طرح سوالات بصورت زوجی بین خبرگان نسبت به تعیین اوزان عوامل اقدام شده است.

برای جمع آوری داده های مربوط به متغیرهای مستقل از اطلاعات گذشته استفاده شده است. جهت تعیین جامعه آماری مورد پژوهش محدودیت هایی بدین شرح اعمال شد: دوره مالی آن ها منتهی به پایان اسفند هر سال می باشد و بنیاستی سال مالی خود رادرتی دوره های مورد نظر تغییر داده باشد. شرکت مورد نظر طی دوره پژوهش فعالیت مستمر در بورس اوراق بهادار داشته و سهام آن حداقل شش ماه در سال مورد معامله قرار گرفته باشد و جزء شرکت های سرمایه گذاری و مالی نباشد و اطلاعات مورد نیاز برای انجام این تحقیق در دوره زمانی مورد بررسی در دسترس باشد. در نهایت اطلاعات مالی مربوط به ۸۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۱ ساله از سال های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۶ بعنوان نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا ارتباط بین متغیرها برای آزمون فرضیه های تحقیق بررسی شود.

۶- تجزیه و تحلیل داده ها

در گام نخست عوامل چهارگانه انحراف از استانداردهای حسابداری، و انحراف از قوانین بازار پول، بازار سرمایه و مالیات جهت ارزیابی خطر حساسی بر اساس مصاحبه با ۵ تن از خبرگان دانشگاهی و حرفه حساسی شناسایی گردید. سپس برای تعیین اولویت و وزن عوامل چهارگانه منتخب نسبت به طراحی و سوالات بصورت زوجی واخذ پاسخ های ۱۰ تن از خبرگان از بین اساتید دانشگاه و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران اقدام گردید. در این روش عوامل بصورت دو به دو با یکدیگر مقایسه می گردند. مقایسه دو به دو مطابق طیف ذیل با استفاده از

۱-۷-۲ انحراف از بازار پول

از میانگین آن به تفکیک هر صنعت به عنوان انحراف شرکت از قوانین مالیاتی در نظر گرفته شده است. به بیانی دیگر پرداخت مالیات بیشتر و یا کمتر می تواند ناشی از مخاطرات عملیاتی، تجاری، و یا مدیریتی باشد. بر مبنای ادبیات موجود، دودیدگاه ارزش در رابطه با اجتناب مالیاتی وجود دارد. دیدگاه اول، دیدگاه ارزش آفرینی است که معتقد است فعالیت های اجتناب از مالیات برای شرکت ارزش آفرین است و دیدگاه دوم، دیدگاه تئوری نمایندگی است که معتقد است ماهیت غیر شفاف و پیچیده فعالیت های اجتناب از مالیات به مدیریت اجازه می دهد تا با پنهان سازی اخبار بد، در راستای دستیابی به اهداف فرصت طلبانه خود گام بردارد [۲۱]. لذا انتظار می رود که حسابرسان شرکت هایی که رفتارهای مالیاتی مخاطره آمیز دارند بیشتر در معرض دعاوی حقوقی باشند زیرا سهامداران تلاش می کنند حسابرسان را مسئول وجود کاستی های مربوط به مسائل مالیاتی در گزارش های مالی جلوه دهند [۱۳].

$$CETR = \frac{\text{وجه نقد پرداخت شده بابت مالیات}}{\text{سود و زیان قبل از کسر مالیات}} \quad (۸)$$

$$AR4 = FCETR - ICETR \quad (۹)$$

برای سنجش خطر حسابرسی، تعداد چهار معیار موثر بر خطر حسابرسی شناسایی شد. میانگین موزون مقادیر براساس اوزان بدست آمده محاسبه و به عنوان معیاری جهت اندازه خطر حسابرسی بکار گرفته شد.

۲-۷-۲ متغیرهای مستقل

۲-۷-۱ ویژگی های راهبری شرکتی

به منظور ارزیابی ساختار راهبری شرکتی از شاخص های زیر استفاده شد:

- FC1- استقلال هیات مدیره: تعداد مدیران غیر موظف به کل مدیران
- FC2- مالکیت نهادی: درصد سهامداران نهادی به کل سهام
- FC3- مالکیت مدیریتی: سهام نگهداری شده توسط مدیران به کل سهام
- FC4- دوگانگی مدیریتی: یکی بودن یا نبودن رییس هیات مدیره و مدیر عامل (تمرکز قدرت یا عدم تمرکز قدرت) شرکت.

۲-۷-۲ مد. پیریت خطر جامع

به منظور ارزیابی خطر جامع از شاخص های زیر استفاده شد:

- خطر عملیاتی (ERMI): برای محاسبه این خطر از دو روش استفاده شده است:

$$\text{روش اول: خطر بکارگیری دارایی ها [۴۱]} \quad (۱۰)$$

$$X = \frac{\text{sales}}{TA}$$

sales = فروش TA = جمع دارایی ها

$$OR_1 = \frac{X - \bar{X}}{\sigma} \quad (۱۱)$$

\bar{X} = میانگین X σ = انحراف معیار X

برای محاسبه انحراف شرکت از بازار پول، میانگین ساختار بدهی های کوتاه مدت بهره دار (تسهیلات مالی کوتاه مدت به دارایی ها) در هر صنعت محاسبه، و انحراف از میانگین مزبور به عنوان انحراف شرکت از بازار پول، لحاظ شده است. رحیمیان و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی عوامل تعیین کننده ساختار سرمایه در شرکت ها پرداختند و دریافتند که بین عامل ریسک و نسبت بدهی های کوتاه مدت بهره دار رابطه معنا داری وجود دارد. در واقع تقاضای بیشتر یا کمتر شرکت برای تسهیلات مالی، می تواند ناشی از فرایندهای عملیاتی، تجاری، مدیریتی و اختلالهایی در شرکت باشد که احتمالاً در نتیجه ضعف بنیه مالی، تغییرات شیوه های مدیریتی اعم از ناتوانی و یا سوء مدیریت و نظایر آن است. لذا فقدان استفاده از فرصتهای تأمین مالی و یا تقاضای بالا جهت تأمین مالی از محل بدهی های بهره دار می تواند آثار فراگیری بر اقلام اطلاعاتی داشته باشد و در نتیجه مخاطراتی برای حسابرس بیافریند.

$$FCS = \frac{IBD}{TA} \quad (۵)$$

$$AR_2 = FCS - ICS \quad (۶)$$

۳-۱-۷ انحراف از بازار سرمایه

در تحقیق حاضر به موقع بودن و قابلیت اتکا که مبنای احتساب امتیاز افشاء (شفافیت) شرکت ها در بورس اوراق بهادار می باشد به عنوان مبنایی جهت محاسبه انحراف از قوانین بورس در حوزه افشاء در نظر گرفته شده است. برای این منظور انحراف از میانگین امتیاز افشاء شرکت ها به تفکیک هر صنعت محاسبه می شود. مطابق دستورالعمل سازمان بورس و اوراق بهادار، معیار به موقع بودن بر اساس زمان ارسال اطلاعات توسط شرکت (پیش بینی های درآمد هر سهم، صورت های مالی میان دوره ای حسابرسی نشده، صورت وضعیت پرتفوی، اظهار نظرهای حسابرس نسبت به پیش بینی درآمد هر سهم اولیه و شش ماهه و صورت های مالی میان دوره ای شش ماهه، صورت های مالی حسابرسی نشده و شده پایان دوره مالی و برنامه زمانبندی پرداخت سود سهامداران) در مقاطع تعیین شده در دستورالعمل افشاء اطلاعات و با لحاظ کردن میزان تاخیر در ارسال اطلاعات، مورد محاسبه قرار می گیرد. همچنین میزان نوسانات و تغییرات در پیش بینی های ارسالی و همچنین تفاوت های میان مبالغ پیش بینی شده و عملکرد واقعی حسابرسی شده معیار قابلیت اتکا در این محاسبات ذکر شده است. افشاء و شفافیت کمتر می تواند موجب افزایش هزینه نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی شود و افشاء بیشتر می تواند آثار معکوسی داشته باشد که در نتیجه آن انگیزه های فرصت طلبانه را افزایش می دهد [۹]. لذا انحراف از قوانین بازار سرمایه در حوزه افشاء می تواند مخاطراتی برای حسابرس داشته باشد.

$$AR_3 = DISS - \overline{DISS} \quad (۷)$$

۴-۱-۷ انحراف از قانون مالیات

ابتدا اجتناب مالیاتی بر اساس نسبت وجه نقد پرداخت شده بابت مالیات به سود و زیان قبل از کسر مالیات محاسبه شده [۲۱] و انحراف

$$K = \frac{|ABACC|}{|NACC| + |ABACC|} \quad (20)$$

$$RR_2 = \frac{K-R}{\sigma_K} \quad (21)$$

$$ERM2 = RR_1 + RR_2 \quad (22)$$

• **خطر راهبردها (ERM3):** برای محاسبه این متغیر از خطر راهبردهای فروش استفاده شده است [۳۱]:

$$ERM3 = \frac{sales_i - \mu_{sales}}{\sigma_{sales}} \quad (23)$$

$sales_i$ = فروش شرکت μ_{sales} = میانگین فروش صنعت

σ_{sales} = انحراف معیار فروش شرکت بصورت دوره سه ساله

• **خطر قوانین (ERM4):** برای محاسبه این خطر از دو روش استفاده شده است:

در محاسبه نرخ موثر مالیاتی استفاده از قدرمطلق صرف نظر از منفی و مثبت ارقام بود.

روش اول: نرخ موثر مالیاتی [۳۸]

$$(ETR) = \frac{\text{مبالغت ابرازی}}{\text{مبلغ و زیان قبل از کسر مبالغت}} \quad (24)$$

$$CR1 = \frac{ETR - \overline{ETR}}{\sigma(ETR)} \quad (25)$$

\overline{ETR} = میانگین ETR

$\sigma(ETR)$ = انحراف معیار ETR

روش دوم: وجه نقد موثر مالیاتی [۳۸]

$$(CETR) = \frac{\text{وجه نقد پرداخت شده بابت مبالغت}}{\text{مبلغ و زیان قبل از کسر مبالغت}} \quad (26)$$

$$CR2 = \frac{CETR - \overline{CETR}}{\sigma(CETR)} \quad (27)$$

\overline{CETR} = میانگین CETR

$\sigma(CETR)$ = انحراف معیار CETR

$$ERM4 = CR1 + CR2 \quad (28)$$

۸- یافته های پژوهش

۸-۱ آمار توصیفی

ویژگی های آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق در جدول (۳) خلاصه شده است.

روش دوم: خطر بکارگیری منابع انسانی [۳۶]

$$Y = \frac{Sales}{NE} \quad (12)$$

NE = تعداد کاکنان S = فروش

\overline{Y} = میانگین Y σ = انحراف معیار Y

$$OR_2 = \frac{Y - \overline{Y}}{\sigma} \quad (13)$$

$$ERM1 = OR_1 + OR_2 \quad (14)$$

• **خطر گزارشگری (ERM2):** برای محاسبه این خطر از دو روش استفاده شده است:

روش اول: گزارشگری مالی [۳۶]

$$M = (AO) + (Resta) + (MW) \quad (15)$$

الف: OA = متغیر مجازی دو ارزشی است، هرگاه اظهارنظر حسابرس مشروط، مردود و عدم اظهارنظر باشد؛ عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر انتساب داده می شود

ب: Resta = متغیر مجازی دو ارزشی است، هرگاه صورت های مالی تجدید ارائه شده (با اهمیت) باشد؛ عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر انتساب داده می شود

ج: MW = متغیر مجازی دو ارزشی است، هرگاه در صورت های مالی ضعف بااهمیت از معیار استاندارد حسابرسی عملکرد که توسط حسابرسی و حسابرسان داخلی انجام می گیرد وجود داشت عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر انتساب داده می شود.

$$RR_1 = \frac{M - \overline{M}}{\sigma_M} \quad (16)$$

\overline{M} = میانگین M σ_M = انحراف معیار M

روش دوم: مدیریت سود (مدل تعدیل شده جونز) [۳۴]

$$(17)$$

$$\frac{TACC_{i,t}}{A_{t-1}} = \beta_0 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_1 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{t-1}} \right) + \beta_3 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

TACC = جمع اقلام تعهدی (TACC = OI - CFO)

A_{t-1} = جمع کل دارای های شرکت در سال t-1

ΔREV = تغییر در درآمد فردی شرکت (بین سال t-1, t)

ΔREC = تغییر در خالص مطالبات تجاری شرکت (بین سال t-1, t)

PPE_t = میزان اموال، ماشین آلات و تجهیزات برای شرکت در سال t

ROA = برابر است با نسبت سود خالص به کل دارایی های شرکت

OI = سود عملیاتی

CFO = جریان های نقد عملیاتی

ABACC = اقلام تعهدی غیرعادی

$$TACC_t = OI_t - CFO_t \quad (18)$$

$$NACC = TACC - AbACC \quad (19)$$

جدول (۳): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

تعداد مشاهدات	بیشینه	کمینه	چولگی	کشیدگی	انحراف معیار	میانگین	نماد	نام متغیر
۹۵۷	۰/۸۹۷	۰/۱۱۳	-۰/۵۹۴	۵/۶۳۴	۰/۰۸۱	۰/۵۴۴	AR	خطر حسابرسی
	۰/۹۹۶	۰/۷۸۱	-۰/۹۸۰	۳/۵۹۳	۰/۰۴۶	۰/۹۳۴	AR1	انحراف از استاندارد حسابداری
	۱/۰۷۳	-۰/۳۴۰	۱/۰۷۹	۵/۴۵۰	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰	AR2	انحراف از بازار پول
	۰/۶۳۰	۰/۰۰۰	۰/۹۰۵	۴/۱۷۸	۰/۱۱۸	۰/۱۷۵	AR3	انحراف از بازار سرمایه
	۰/۴۸۷	-۰/۲۸۸	۰/۹۹۶	۴/۶۸۷	۰/۱۳۱	-۰/۰۶۰	AR4	انحراف از قانون مالیات
	۰/۸۰۰	۰	-۱/۱۸۶	۳/۸۴۴	۰/۲۲۷	۰/۵۹۸	FC1	استقلال هیأت مدیره
	۰/۹۱۵	۰/۵۸۰	-۰/۴۶۴	۲/۰۵۶	۰/۰۹۴	۰/۷۷۷	FC2	مالکیت نهادی
	۰/۹۸۱	۰	-۰/۹۹۱	۳/۱۰۷	۰/۲۴۴	۰/۶۴۲	FC3	مالکیت مدیریتی
	۱	۰	۱/۱۸۲	۲/۳۹۸	۰/۴۳۱	۰/۲۴۶	FC4	دوگانگی مدیریت
	۲/۹۵۳	-۱/۶۲۳	۰/۹۶۱	۳/۴۹۹	۱/۰۰۰	-۰/۱۰۶	ERM1	خطر عملیاتی
	۱/۵۸۵	-۱/۹۱۴	۰/۱۵۲	۲/۲۰۷	۰/۹۱۳	-۰/۱۴۵	ERM2	خطر راهبردها
	۲/۹۸۵	-۶/۱۴۵	۰/۵۱۲	۲/۲۰۳	۲/۶۰۰	-۲/۲۳۲	ERM3	خطر گزارشگری
	۲/۸۷۰	-۱/۴۲۰	۱/۱۳۵	۴/۰۱۶	۰/۹۲۶	-۰/۱۷۳	ERM4	خطر قوانین

۲-۱ آزمون فرضیه های پژوهش

جدول (۵و۴) نتایج مربوط به آزمون فرضیه های اول و دوم را نشان می دهد. آزمون مدل با استفاده از روش های اثرات تصادفی و ثابت انجام شد. همانطور که در جدول (۵و۴) ملاحظه می شود، مقادیر آماره های F و احتمال مربوط به این آماره ها، بیانگر این است که فرض صفر آماره، یعنی همان بی معنا بودن کل مدل (صفر بودن تمام ضرایب) رد می شود و مدل رگرسیون برآورد شده در کل معنادار است. ضریب تعیین برابر دو فرضیه به ترتیب برابر با ۰/۳۸۵ و ۰/۲۸۹ است یعنی ۳۹٪ و ۲۹٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای متغیر مستقل قابل توضیح است. مقدار دوربین واتسون در آن ها به ترتیب برابر با ۱/۹۶۶ و ۲/۱۵۱ است. با توجه به اینکه آماره های بدست آمده در دامنه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بیانگر عدم وجود خود همبستگی سریالی بین باقیمانده ها است. احتمال آماره (سطح معناداری) متغیرهای ERM4, FC1 به ترتیب ۰/۰۱۰ و ۰/۰۰۰ که کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرضیه اول از گروه اول و فرضیه چهارم از گروه دوم در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می شود.

با توجه به جدول فوق میانگین خطر حسابرسی ۰/۵۴۴ است. میزان حداکثر متغیر خطر حسابرسی با مقدار ۰/۸۹۷ متعلق به شرکت معدنی دماند در سال ۹۳ و میزان حداقل آن ۰/۱۱۳ متعلق به شرکت سایپا آذین در سال ۹۵ است. در میان عناصر تشکیل دهنده خطر حسابرسی بیشترین مقدار میانگین ۰/۹۳۴ است که به انحراف از استانداردهای حسابداری مربوط می شود. میزان حداکثر متغیر انحراف از استاندارد حسابداری با مقدار ۰/۹۹۶ متعلق به شرکت سیمان اصفهان در سال ۸۶ و میزان حداقل آن ۰/۷۸۱ متعلق به شرکت داروسازی امین در سال ۹۲ است. انحراف از بازار سرمایه نیز پس از انحراف از استاندارد حسابداری با میانگین ۰/۱۷۵ دارای بیشترین مقدار است. میزان حداکثر متغیر انحراف از بازار سرمایه با مقدار ۰/۶۳ متعلق به شرکت ایران مرینوس در سال ۸۹ و میزان حداقل آن صفر متعلق به شرکت فولاد کبیر کاشان در سال ۸۷ است.

جدول (۴): نتیجه آزمون فرضیه اول

جدول (۵): نتیجه آزمون فرضیه دوم

نماد	ضرایب	آماره تی	احتمال	vif	نماد	ضرایب	آماره تی	احتمال	vif	
C	۰/۵۵۵	۲۱/۲۱۲	۰/۰۰۰	-	C	۰/۳۳۰	۱۶/۶۲۳	۰/۰۰۰	-	
FC1	۰/۰۱۸	۲/۵۹۶	۰/۰۱۰	۱/۰۰۸	ERM1	-۰/۰۰۰	-۰/۱۶۶	۰/۸۶۸	۱/۰۵۲	
FC2	-۰/۰۴۶	-۱/۴۰۵	۰/۱۶۱	۱/۰۹۱	ERM2	۰/۰۰۱	۰/۶۵۲	۰/۵۱۴	۱/۰۷۳	
FC3	-۰/۰۱۵	-۱/۰۹۰	۰/۲۷۶	۱/۰۹۲	ERM3	-۰/۰۰۰	-۰/۷۸۲	۰/۴۳۵	۱/۰۶۹	
FC4	-۰/۰۰۳	-۰/۵۶۴	۰/۵۷۳	۱/۰۰۱	ERM4	۰/۰۱۱	۷/۲۵۱	۰/۰۰۰	۱/۰۲۰	
ضریب تعیین					۰/۳۸۵	ضریب تعیین				
ضریب تعیین تعدیل شده					۰/۳۲۰	ضریب تعیین تعدیل شده				
آماره دوربین-واتسون					۱/۹۶۶	آماره دوربین-واتسون				
احتمال آماره فیشر					۰/۰۰۰	احتمال آماره فیشر				
اف لیمر					۰/۰۰۰	اف لیمر				
آزمون هاسمن					۰/۰۰۶	آزمون هاسمن				

۹- نتیجه گیری

- نظارت به هر شرکت اختصاص دهد کاهش می یابد. از این رو، مشارکت محدود اعضای غیر موظف در فعالیت های شرکت مانع نظارت مؤثر آنها بر عملیات شرکت و در نتیجه ایفای نقش نظارتی آن ها می گردد.
 - در صورت عدم استقلال اعضای غیر موظف هیأت مدیره از مدیریت شرکت، قدرت چانه زنی این اعضا در ارائه نظرات متضاد با سایرین کاهش یافته و بر اجرای نقش نظارتی توسط آنها اثر سوئی خواهد داشت. در مرجع [۱۰] بیان شده که عواملی نظیر طولانی شدن عضویت در هیأت مدیره می تواند منجر به وابستگی مدیران (غیر موظف) به شرکت شود و در نتیجه این گونه مدیران ممکن است قادر به ایفای نقش نظارتی بطور مؤثر نباشند.
 - در اکثر شرکت ها این فرهنگ وجود دارد که هیأت مدیره تحت کنترل مدیریت شرکت است و حضور مدیران غیر موظف بر تصمیمات مدیریت تأثیری ندارد.
- اگر چه در بخش دیگری از همین پژوهش بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با خطر حساسی رابطه معنا داری مشاهده نشد، اما ضریب منفی به دست آمده از این متغیر، سازگاری این یافته را با مبانی نظری نشان می دهد. بنابر فرضیه نظارت فعال، سهامداران عمده از قدرت رأی خود در جهت نظارت فعال بر عملیات شرکت و تصمیم گیری بهتر استفاده می نمایند. به بیانی دیگر به دلیل حجم ثروت سرمایه گذاری شده، سرمایه گذاری خود را به طور فعال مدیریت می کنند. همچنین

توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره نشان دهنده آن است که بین استقلال هیأت مدیره با خطر حساسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از دیدگاه تئوری نمایندگی حضور اعضای غیر موظف در ساختار هیأت مدیره شرکت ها به کاهش تضاد منافع مدیران و ذینفعان کمک می کند و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین ارکان درونی و بیرونی شرکت می شود. لیکن دلایل احتمالی نتیجه پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- با عنایت به تأیید رابطه مثبت و معنا دار بین خطر ترکیبی حساسی و استقلال هیأت مدیره، نظریه سنجیدگی تصمیمات در این تحقیق تأیید می شود. بدین ترتیب تجمیع دانش و سواد مالی حاصل از محیط کسب و کار پیرامونی شرکت ها، در اعضای هیأت مدیره موظف بیشتر از اعضای هیأت مدیره غیر موظف استنباط می شود.
- عضویت هم زمان اعضای غیر موظف در هیأت مدیره چند شرکت ممکن است باعث کاهش اثر بخشی آن ها شود. مورک و اسچلر (۱۹۸۸)؛ به نقل از مرجع [۲۵] معتقدند نظارت بر مدیریت ارشد نیازمند تلاش فراوان و اختصاص زمان کافی است. هرچه تعداد شرکت هایی که یک مدیر عضو هیأت مدیره آن است بیش تر باشد مدت زمانی که وی می تواند برای

- برای ارزیابی خطر حسابرسی از معیارهایی نظیر ریسک های محیطی و اجتماعی نیز استفاده شود.

منابع و مأخذ

- [۱] اکرمی مقدم، غفت، (۱۳۹۵). راهکارهای رفع موانع حسابرسی مبتنی برخطر، ماهنامه پژوهش های مدیریت و حسابداری، شماره ۲۹، صص ۸۶-۹۵.
- [۲] احمدپور، احمد، منتظری، هادی، (۱۳۹۰). نوع مدیریت سود و تاثیر اندازه ی شرکت، ساختار مالکیت و راهبری شرکتی بر آن، مجله ی پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ی سوم، شماره ی دوم، پیاپی ۶۱/۳، صص ۱-۳۵.
- [۳] بحری ثالث، جمال، پاک مرام، عسگر، یوسفی، سعید، (۱۳۹۶). نقش کیفیت حاکمیت شرکتی در رابطه بین جریان های نقدی آزاد و دست کاری فعالیت های واقعی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۴۹ تا ۷۱.
- [۴] پانتر، آلن، (۱۳۹۱). مدیریت ریسک و تامین مالی، ترجمه: هادی اصل سرای و محمد حسن، تهران: پژوهشکده بیمه.
- [۵] پورعلی، محمدرضا، رادان، رویا، (۱۳۹۱). حسابرسی مبتنی بر ریسک: یک رویکرد جدید، اولین همایش ملی حسابداری و مدیریت، نور، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور.
- [۶] حسینی، سید عبدالرضا، حسینی، سید محمد حسین، مطهری، سید مهدی (۱۳۹۳). رابطه ی استفاده از فنون مدیریت ریسک با عملکرد شرکت های فعالی صنایع غذایی، پژوهش های تجربی حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۴۵-۶۰.
- [۷] دریایی، عباسعلی، عزیزی، اکرم، (۱۳۹۷). رابطه اخلاق، تجربه و صلاحیت حرفه ای حسابرسان با کیفیت حسابرسی (با توجه به نقش تعدیل کننده شک و تردید حرفه ای)، دانش حسابداری مالی، دوره ۵، شماره یک، پیاپی ۱۶، صص ۷۹-۹۹.
- [۸] دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا، کفعمی، مهدی، (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره بیست و یک، شماره ۴، صص ۴۳۰-۴۰۹.
- [۹] رحمانی، علی، بشیری منش، نازنین، (۱۳۹۳). مروری بر ادبیات افشاء اطلاعات در ایران، فصلنامه پژوهش حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۳۵-۶۷.
- [۱۰] صدیقی، روح الله، (۱۳۹۲). ارتباط ساختار هیات مدیره با محتوای اطلاعاتی سود حسابداری، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۳۷، صص ۱۲۵-۹۹.
- [۱۱] عباس زاده، محمدرضا، منظرزاده، هاشم، (۱۳۹۰). بررسی احتمال صدور گزارش مقبول حسابرسان مستقل با استفاده از خصوصیات هیئت مدیره شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران: بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۶۳، صص ۹۵-۱۱۲.

الگوی مالکیت شرکت نشانگر هزینه های نمایندگی در شرکت و میزان نظارت مدیریتی است، به گونه ای که مالکیت مدیریتی می تواند سبب کاهش تضاد نمایندگی گردد. بنا براین تحقیق حاضر بر نقشی که انتظار می رود این ویژگی های حاکمیت شرکتی در کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت و خطر حسابرسی داشته باشند تأکید می کند.

در فرضیه اصلی دوم پژوهش حاضر به دنبال کشف روابط بین ویژگی های مدیریت خطر جامع با خطر حسابرسی بودیم. وجود رابطه مثبت و معنا دار بین خطر قوانین و مقررات (با محوریت قوانین مالیاتی) با خطر حسابرسی مؤید پیامدهای نامطلوب اجتناب مالیاتی برای شرکت ها و به تبع آن برای حسابرس شرکت است. تحقیقات گوناگونی از قبیل هندریکسون و ون (۱۹۹۲)، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، فرانسیس و همکاران (۲۰۱۴)، و کریشنان و همکاران (۲۰۱۵)، وجود رابطه منفی بین عملکرد مدیریت و اجتناب مالیاتی را نشان داده اند. تحقیقات مزبور بیان داشته اند که مدیران توانا بیشترین زمان خود را صرف پروژه های سودآور و دارای ارزش افزوده می کنند و از فعالیت هایی که دارای هزینه فرصت از دست رفته هستند (نظیر اجتناب مالیاتی) پرهیز می کنند، چرا که زمان گذاشتن بر روی فعالیت هایی همچون اجتناب مالیاتی از مدیر، هم وقت و هم هزینه می گیرد و این احتمال وجود دارد که انجام چنین فعالیت هایی توسط مقامات مالیاتی شناسایی و منجر به جریمه و خسارت شرکت گردد و بر حسن شهرت شرکت لطمه وارد نماید [۱۳].

بنا بر یافته های پژوهش حاضر سازوکارهای راهبری شرکتی شامل استقلال هیأت مدیره، و مدیریت خطر جامع شامل خطر قوانین مالیاتی با خطر حسابرسی رابطه معنا داری دارند و این مطلب می تواند مؤید سودمندی اطلاعات مزبور برای ارزیابی خطر حسابرسی باشد. لذا این امکان وجود دارد که مؤسسه و یا نهادی مستقل نظیر جامعه حسابداران رسمی ایران به ارزیابی شرکت ها از بعد خطر حسابرسی و رتبه بندی آنها از این حیث بپردازد. برای پژوهش های آتی پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می شود:

- با توجه به برقراری رابطه مثبت بین استقلال هیأت مدیره و خطر حسابرسی و تأیید نظریه سنجیدگی تصمیم و با عنایت به شقوق تصمیمات در اختیار اعضای هیأت مدیره به محققان آتی پیشنهاد می شود که میزان سنجیدگی تصمیمات اعضای هیأت مدیره موظف و غیر موظف در اتخاذ تصمیمات عملیاتی، مالی و راهبردی مورد بررسی قرار گیرد.
- بررسی ارتباط سایر متغیرهای راهبری شرکتی مانند وجود یا عدم وجود حسابرسی داخلی و یا اثر بخشی سیستم کنترل داخلی با خطر حسابرسی.
- روابط بین متغیرهایی مانند انواع نسبت های مالی، ویژگی های رفتاری مدیران، و ویژگی های حسابرس با خطر حسابرسی مورد بررسی قرار گیرد.

- [۲۵] نظامی، امین، ممتازیان، علیرضا و صالحی نیا، محسن، (۱۳۹۳)، رابطه سازو کارهای حاکمیت شرکتی و کارایی مدیریت موجودی کالا (مطالعه موردی: شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۸۶-۱۵۹.
- [۲۶] وکیلی فرد، حمیدرضا، صالحی نژاد، مریم، (۱۳۸۸)، تبیین و آزمون مدل حساسی مبتنی بر ریسک در حساسی عملیاتی، مجله پژوهش های مدیریت، شماره ۸۳.
- [27] Akresh, D. A., (2010), **A Risk Model to Opine on Internal Control**, Accounting Horizons, No. 1, Vol. 24, pp. 65-78.
- [28] Arel, B., (2010), **The Influence of Litigation Risk and Internal Audit Source on Reliance Decisions, Advances in Accounting**, Incorporating Advances in International Accounting, No. 26, pp. 170-176.
- [29] American Institute of Certified Public Accountants (AICPA), (2005), **AICPA Professional Standards**, New York, AICPA, Inc.
- [30] Abdullah, S.N., Yusof, M., Nor, M., (2010), **Financial Restatements and Corporate Governance among Malaysian Listed Companies**, Managerial Auditing Journal, Vol. 25, PP. 526-552.
- [31] Boehm, B. W., (1991), **Software Risk Management: Principles and Practices**, IEEE Software. Vol. 8, pp. 32-41.
- [32] Cassell, C.A., Giroux, G.A., Myers, L.A., Omer, T.C., (2012), **The Effect of Corporate Governance on Auditor-Client Realignment**, Audit. J. Pract. Theory 31:167-188.
- [33] Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO), (2004), **Enterprise Risk Management — Integrated Framework**, COSO Report, Jersey City.
- [34] Christoph, V.D.E., (2016), **Empowering the Audit Committee and the Auditor in Related Party Transactions**, ECGI Working Paper Series in Law, available at: <http://ssrn.com/abstract=2801585>.
- [35] Demartini, Ch., Trucco, S., (2016), **Audit Risk and Corporate Governance: Italian Auditors' perception after the Global Financial Crisis**, African Journal of Business Management, Vol. 10(13), pp. 328-339, 14 July, 2016.
- [36] Dechow, P., Sloan, R., Sweeney, A., (1995), **Detecting Earnings Management**, The Accounting Review, Vol. 70, No. 2, pp. 193-225.
- [37] Gull, A.A., Saeed, A., Abid, A., (2013), **Corporate Governance and Performance: an Empirical Evidence from Textile Sector of Pakistan**, Afr. J. Bus. Manage. 7:2112.
- [38] Gordon, L., Loeb, M., Tesng, C., (2009), **Enterprise Risk Mangement and Firm Performance: Acontingency Perspective**, journal of Accounting and public policy, 28(4), 301-327.
- [39] Hess, M. F., Cottrell, J. H., (2016), **Fraud Risk Management: A Small Business Perspective**, Business Horizons, Vol. 59, No. 1, pp. 13-18.
- [40] Halon, M., Heitzman, S., (2010), **A review of Tax Research**, Journal of Accounting and Economics, 50(2-3): 127-178.
- [41] Jacoby, G., Liu, M., Wang, Y., Wu, Z., Zhang, Y., (2019), **Corporate Governance, External Control, Public Governance, and Environmental Information Transparency: Evidence from Emerging Markets**, Journal of International Financial Markets, Institutions & Money, Volume 58, pp. 269-283.
- [42] Knechel, W. R., (2013), **Do Auditing Standards Matter?**, Current Issues in Auditing, 7, A1-A16, doi:10.2308/ciia-50499.
- [43] Kiymaz, H., (2006), **The Impact of Announced Motives, Financial Distress, and Industry Affiliation on Shareholders' Wealth: Evidenve from Large Sell-Offs**, Business and economics, 69-89.
- [44] Kim, J. B., Liandong, Z., (2010), **Does Accounting Conservatism Reduce Stock Price Crash Risk?**, Retrieved from <http://www.Ssrn.Com>.
- [۱۲] فیروزعلیزاده، اکرم، رضایی، فرزین، (۱۳۹۵)، رابطه رقابت در بازار محصول و مدیریت ریسک یکپارچه مبتنی بر گزارشگری مالی بر تصمیمات مدیریت. پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، سال پنجم، شماره ۹، صص ۲۰۱-۱۷۳.
- [۱۳] فروغی، داریوش، امیری، هادی، زمانی بختیاروند، محمد، (۱۳۹۵)، تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، دانش حسابداری، شماره ۲۶، صص ۱۵۰-۱۳۱.
- [۱۴] فروغی، داریوش، فدوی، محمد حسن، حاجیان نژاد، امین، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر سیاست های اجتناب مالیاتی بر نوع گزارش حسابر، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵ (مسلل ۷۳)، صص ۱۸۱-۱۹۹.
- [۱۵] قربانی، سعید، آقایی، محمدعلی و احمدیان، وحید، (۱۳۹۳)، بررسی نارسایی های مدل حساسی مبتنی بر سیستم وامکان جایگزینی آن با مدل حساسی مبتنی بر خطر در ایران، دانش حسابداری، سال چهاردهم، شماره ۵۷، صص ۱۲۹-۱۴۶.
- [۱۶] کامیابی، یحیی، بوژمهرانی، احسان و محمدی، پویان، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و شکاف بین حق کنترل و حق مالکیت سهامدار کنترل کننده نهایی، راهبرد مدیریت مالی، سال چهارم، شماره یازدهم، صص ۶۵-۴۵.
- [۱۷] کاردان، بهزاد، سیمایی، سمیه، (۱۳۹۴)، تحلیل عوامل موثر بر مدل خطر حساسی با استفاده از تکنیک دیمتل. سزدهمین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
- [۱۸] گرد، عزیز، محمدی، منصور، گل دوست، مجید، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و وجه نقد نگهداری شده، بررسی های حسابداری و حسابداری، دوره ۲۲، شماره ۲، صص ۲۷۸-۲۶۳.
- [۱۹] مولایی نژاد مهدی، عطایی، ابوذر، (۱۳۹۳)، شناسایی و اولویت بندی موانع و محدودیت های پیاده سازی پروژه حساسی مبتنی بر ریسک با استفاده از روش سلسله مراتبی فازی، مجله حسابر، شماره ۷۰.
- [۲۰] موسوی، سید رضا، جباری، حسین، طالب بیدختی، عباس، (۱۳۹۴)، حاکمیت شرکتی و تجدید ارائه صورت های مالی، پژوهش های حسابداری مالی و حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۹۷ تا ۱۱۹.
- [۲۱] متقی، علی اصغر، غریب، حجت، قوی پنجه، رامین، (۱۳۹۶)، تأثیر سازوکار حاکمیت شرکتی بر واکنش سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش حسابداری، شماره ۲۴، صص ۱۳۹-۱۵۵.
- [۲۲] مشایخی، بیتا، علی پناه، صبری، (۱۳۹۴)، تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، پژوهش های حسابداری مالی و حسابداری، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۴۹-۶۴.
- [۲۳] مهربانپور، محمدرضا، رحیمیان، نظام الدین، آهنگری، مهناز، وقفی، سیدحسام، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین مدیریت ریسک و ارزش شرکت با تاکید بر نقش ویژگی های هیات مدیره و کمیته حسابر، همایش ملی حسابداری و نظارت مالی ایران، دوره ۱.
- [۲۴] نمازی، نویدرضا، مهدوی، غلامرضا، (۱۳۹۵)، رتبه بندی و بررسی نگرش حسابرسان مستقل نسبت به عوامل موثر بر خطر حسابداری، پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، سال پنجم، شماره ۹، صص ۹۲-۶۳.

- [45] Lim, S., Matolcsy, Z., Chow, D., (2007), **The Association Between Board Composition Different Types of Voluntary Disclosure**, European Accounting Review, Vol. 16, No. 3, pp. 555-583.
- [46] Meidell, A., Kaarbøe, K., (2016), **How the Enterprise Risk Management Function Influences Decision-Making in the Organization – A Field Study of a Large, global oil and gas company**, The British Accounting Review, Online, at <http://www.Science Direct.com>.
- [47] Meulbroek, L. K., (2002), **A Senior Manager's Guide to Integrated Risk Management**, Journal of Applied Corporate Finance, 14(4), 56-70.
- [48] Romney, M. B., Steinbart, P. J., (2012), **Accounting Information Systems, 12th edition, Pearson Education Ltd.**, Harlow, United Kingdom.
- [49] Shafiee Sardasht, M., Rashedi, E., (2018), **Identifying Influencing Factors of Audit Risk Model: A Combined Fuzzy ANP-DEMATEL Approach**, The International Journal of Digital Accounting Research Vol. 18, 2018, pp. 69-117 ISSN: 2340-5058.
- [50] Sharma, V., (2004), **Board of Director Characteristics, Institutional Ownership, and Fraud: Evidence from Australia**, Auditing A Journal of Practice & Theory, No. 23, vol. 2, September, PP.105-117.
- [51] Soltani, B., (2002), **Timeliness of Corporate and Audit Reporting: Some Empirical Evidence in the French Context**, The International Journal of Accounting,(3): 215-246.